

**ارتباط، شرط پیروزی،** این کتاب که خاطرات سرهنگ سیدعلی‌اکبر آقاپور را در بردارد، به بیان نقش مخابرات در جنگ تحمیلی می‌پردازد. کتاب مذکور توسط حسین یاقوتی در 164 صفحه تدوین و با شمارگان هزار جلد، به‌وسیلۀ انتشارات صریر در 1397 چاپ و منتشر شده است. سرهنگ سید‌علی‌اکبر آقاپور پس از شرکت در جنگ گنبد در 1358، در 1360 به منطقه‌ گیلان‌غرب اعزام و در واحد مخابرات مشغول به خدمت شد. وی از ابتدای تشکیل لشکر‌30 پیاده‌ گرگان، در منطقه‌ عملیاتی حضور داشت و یکی از ارکان اصلی گردان مخابرات آن لشکر بود. اقدامات سرهنگ مخابرات سید‌علی‌اکبر آقاپور در منطقه‌ عملیاتی غرب، جنوب و شمال ‌غرب و به‌خصوص در منطقه‌ عملیاتی فاو در عملیات والفجر 8 بسیار عالی و همراه با ایثار و فداکاری خاص بود. او در سال‌های آخر دفاع مقدس، فرماندهی گردان مخابرات لشکر30 پیاده‌ گرگان از نیروی زمینی ارتش را بر عهده داشت و نقش به‌سزایی را در برقراری ارتباط در عملیات‌ها ایفا کرد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: قرارگاه ما در حسینیه اهواز و قرارگاه تیپ در فاو بود. یک‌بار هم نیروها را فرستادم فاو که در حوالی سه‌راهی آبادان- ماهشهر، هواپیمای عراقی آمد که خودرو را بزند. راننده دستپاچه شد و خودرو را چپ کرد و چهارده نفر زخمی شدند. البته شانس آوردم که در این حادثه نبودم؛ اما بی‌سیم شاسی را روی اتاقک خودرو نصب‌کرده بودم. وقتی خودرو وارونه شد، شاسی مانع آسیب‌دیدن بچه‌ها شده بود. مصدومین، پرویز درزی درجه‌دار مخابرات بود که از ناحیه کمر و دیسک و سینه آسیب دیده بود و آقایان اکبر قاسمی و احمد طاهری آسیب سختی دیدند و بقیه آسیب چندانی ندیده بودند. خودرو را به‌صورت اول درآوردند و سوار شدند و به قرارگاه آمدند. بعدها خودرو را تعمیر کردیم. این چهارده نفر به فاو می‌رفتند تا نیروها را تعویض کنند. معمولاً من یا معاونم، سیار بودیم و یکی از ما در قرارگاه می‌ماند. در طول چند ماهی که در منطقه فاو بودیم، چند بار به آنجا رفتم و برگشتم و یک شب هم در سنگر نخوابیدم. جای من چه در فاو و چه در حسینیه اهواز، کنار سیستم مخابراتی در داخل خودروی تویوتا بود. به علت اینکه 200 مایل ارتباط رادیوی داشتم، مجبور بودم سرکار باشم و به‌طور مداوم، ارتباطم را بازدید کنم و آماده با کار باشم. **مآخذ:** یاقوتی، حسین، ارتباط شرط پیروزی، تهران: صریر، 1397.